

بررسی مقابله‌ای گزینش برابرها در متون ترجمه شده از داستان «عربی» اثر جیمز جویس براساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

معصومه ارجمندی^۱

ذلیخا عظیم‌دخت^۲

چکیده

رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در پی شفاف‌سازی این حقیقت است که عواملی همچون بافت موقعیتی، بافت بینامتنی، روابط قدرت در جامعه، سلطه، فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر جامعه زبانی را شکل می‌دهد و از طریق به کارگیری زبان در جامعه است که این ساختارها، فرایندها و ایدئولوژی‌ها تثبیت می‌شوند. آنچه در این مختصر ارائه می‌شود بررسی برابره‌ای انتخاب شده از دو مترجم و مقابله آنها با متن اصلی داستان «عربی» اثر جیمز جویس بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است، تا با استناد بر این رویکرد بر کارایی آن در فرایند برابری و دستیابی به برابره‌ای مناسب در متن مقصد صحنه گذاشته شود. زیرا رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی بر این اصل اساسی پایه‌گذاری شده است که ساختارهای گفتمان‌مدار و ملاحظات غیرزبانی و توصیف فرازبانی در تحلیل‌های زبانی به طور کلی و در فرایند ترجمه به طور اخص از اهمیت بالایی برخوردار است. از جمله ساختارهای گفتمان‌مداری که در مقاله حاضر بررسی می‌شود عبارت‌اند از گزینش واژگانی، ضمائر، رابطه عاملیت نحوی یعنی انتخاب صیغه معلوم/مجهول، فرایند اسم‌سازی و طرد کنشگرها.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، ساختارهای گفتمان‌مدار، ایدئولوژی، گفتمان

۱- مقدمه

زبان به عنوان آینه‌ای از مفاهیم و اندیشه‌ها است که تار و پود آن از جامعه، گفتمان و ایدئولوژی حاکم در جامعه شکل می‌گیرد و در قالب زبان گفتار و نوشتار به عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی تجلی می‌یابد و از این رو در طول دوران همواره موضوعی شایسته برای مطالعه و تحقیق است. رویکرد مورد استناد در این مقاله، الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است؛ این الگو یکی از چندین انگاره مطرح در عرصه

arjmandi@iaurasht.ac.ir

^۱ - استادیار، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

^۲ - نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

zazimdokht@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۸

تحلیل گفتمان انتقادی است که بافت اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، روابط قدرت و سلطه را در بررسی زبان دخیل می‌داند. در مقاله حاضر نگارندگان قصد دارند با استناد به این رویکرد بررسی مقابله‌ای میان گزینش برابرها در دو متن ترجمه شده و مقایسه آنها با متن اصلی داستان «عربی» اثر جیمز جویس را انجام دهند تا با استفاده از این رویکرد نقاط ضعف و قوت در فرایند ترجمه، فرایند برابریابی، برابری مناسب و روش‌شناسی در مطالعات ترجمه را نشان دهند و نحوه انتقال ساختارهای گفتمان‌مدار و روابط ایدئولوژیک نهفته در متن را در دو ترجمه متفاوت در دو برهه زمانی مختلف به تصویر بکشند. بنابر این، نگارندگان معتقدند که به علت ماهیت رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و توجه آن به ساختارهای گفتمان-مدار و ملاحظات غیرزبانی، این رویکرد قادر است به مترجم در گزینش برابریابی مناسب کمک نماید. به علت محدودیت‌های ساختاری مقاله نمی‌توان تمامی ساختارهای گفتمان‌مدار را تحلیل نمود، در نتیجه چند نمونه از آنها جهت شفاف‌سازی کاربرد تحلیل گفتمان انتقادی در فرایند برابریابی بررسی خواهد شد. این ساختارهای گفتمان‌مدار عبارت‌اند از گزینش واژگانی، ضمائر، رابطه عاملیت نحوی یعنی انتخاب صیغه معلوم/ مجهول، فرایند اسم‌سازی و طرد کنشگرها.

۲- پیشینه مطالعات

به زعم فرحزاد (۱۳۸۳) با گذری بر تاریخچه ترجمه در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به بعد شاهد توجه فراوان نظریه‌پردازان به نقش تحلیل گفتمان در ترجمه هستیم. در دهه ۱۹۹۰ مطالعات در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی در مطالعات ترجمه مطرح می‌شود. در حقیقت از دل نقش‌گرایی، تحلیل گفتمان در مطالعات ترجمه تجلی می‌یابد. الگوی از تحلیل گفتمان که در این دهه بیشترین نفوذ و تاثیر را در این علم داشته است الگوی نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی است.

ماندی^۱ (۲۰۰۱: ۹۰) معتقد است الگوی تحلیل گفتمان هلیدی بر اساس دستوری است که هلیدی آن را دستور نقش‌گرایی نظام‌مند نام نهاده است. در تحلیل گفتمان، زبان به مثابه ارتباط بررسی می‌شود. نگاه این رویکرد به معنا در قالب گزینش‌های معنایی نویسنده است و به طور نظام‌مند این گزینش‌ها را به چارچوب فرهنگی- اجتماعی مربوط می‌سازد.

با وجود مطالعات گسترده در زمینه مبانی نظری ترجمه در جهان، در ایران تحقیقات گسترده‌ای با استناد بر مبانی نظری و تبیین در این زمینه صورت نگرفته است. همچنین مطالعه مسئله برابری به مثابه مفهومی اساسی در مباحث نظری ترجمه به ویژه متون ادبی (داستان کوتاه) از زبان انگلیسی به فارسی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی توسط پژوهشگران این رویکرد و نظریه‌پردازان جایی ندارد. بنابر این انجام پژوهش‌ها و نگارش مقاله‌هایی از این دست ضروری به نظر می‌رسد، لذا نه تنها رویکرد نقش‌گرایی و سایر رویکردهای زبان‌شناسی، حتی ترکیب آنها نیز برای تبیین فرایند ترجمه کافی نیست. بنابر این، ضروری است تا در این مقاله، فرایند ترجمه تنها منحصر به تقابل زبان‌های مبدأ و مقصد نباشد، بلکه

^۱ - Munday, J.

چون هدف فرایند ترجمه، خلق دوباره متنی با هدف ویژه ارتباطی است، بنابر این شایسته است تا رویکرد جدیدی در مطالعات ترجمه مطرح شود. از جمله مقاله‌هایی که در این زمینه و با این رویکرد به رشته تحریر درآمده‌اند می‌توان به مقاله آقاگل‌زاده و دیگران (۱۳۸۹) اشاره کرد.

۳- مفاهیم بنیادی، چارچوب نظری و روش‌شناسی پژوهش

۳-۱- مفاهیم بنیادی

۳-۱-۱- ساختارهای گفتمان‌مدار و بازتاب آن در ترجمه

به زعم یارمحمدی (۱۳۸۳: ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۶۶) ساختارهای گفتمان‌مدار^۱ ساختارهای زبان‌شناختی و جامعه-شناختی‌اند که به کارگیری یا عدم به کارگیری آنها و یا تغییر و تبدیل آنها به صورت دیگر در گفته و یا متن باعث می‌شود که از آن گفته برداشت‌های متفاوتی ممکن گردد، مطلبی پوشیده و مبهم شود و یا برعکس، متن صراحت بیشتری پیدا کند و یا بخشی از گفته برجسته‌سازی شود و بخش دیگر در حاشیه قرار گیرد. از جمله ساختارهای گفتمان‌مداری که فرکلاف^۲ (۲۰۰۱: ۹۲-۹۳) معرفی می‌کند عبارت است از گزینش واژگانی، رابطه عاملیت نحوی یعنی انتخاب صیغه معلوم/ مجهول، فرایند اسم‌سازی، بازنمایی استعارای امور واقع، نحوه گزینش از نظام وجه، انتخاب ضمائر شخصی/ غیر شخصی. نکته حائز اهمیتی که در این میان وجود دارد این است که با وجود اینکه بسیاری از صورت‌های زبانی به طور بالقوه امکان برخورداری از بار ایدئولوژیک را دارا است، این امر به معنای آن نیست که کل گفتمان به ناچار ماهیتی ایدئولوژیک دارد، بلکه به زعم فرکلاف (همان: ۱۱۱) «رفتارهای گفتمانی مادامی که به حفظ، تاثیر یا تضعیف روابط قدرت یاری برسانند دارای بار ایدئولوژیک خواهند بود».

۳-۱-۲- ایدئولوژی، گفتمان و متن

سوسور^۳ (۱۳۸۹: ۲۱) در مفهومی که از کاربرد گفتار عرضه کرده است به جنبه‌های فردی و غیراجتماعی آن نظر دارد. اما فرکلاف (۱۹۹۵: ۷۳) با به کار بردن اصطلاح «گفتمان» بر این نکته تاکید می‌ورزد که کاربرد زبان در لایه‌لای روابط و فرایندهای اجتماعی محصور شده است، روابط و فرایندهایی که به نحوی نظام‌مند گوناگونی‌های زبانی را رقم می‌زنند؛ به عنوان نمونه می‌توان به صورت‌های زبانی که در متن ظاهر می‌شوند اشاره کرد. یک جنبه از محصور بودن کاربرد زبان در روابط اجتماعی که به مفهوم گفتمان نزدیک است آن است که زبان صورت مادی ایدئولوژی است. در واقع، زبان آغشته به ایدئولوژی است. از سوی دیگر فرکلاف (همان) در مورد روابط موجود میان ایدئولوژی و متن معتقد است که ایدئولوژی در متن نهفته است. گرچه ردپای فرایندها و ساخت‌های ایدئولوژیکی در صورت و محتوای متن وجود دارد، اما خوانش آن تنها از خود متن ممکن نیست. این بدان خاطر است که معنی از رهگذر

^۱ - Discursive structure

^۲ - Fairclough, N.

^۳ - Saussure, F.

تعبیر متون حاصل می‌شود و متون به روی تعبیرهای گوناگون باز است و فرایندهای ایدئولوژیک به گفتمان که خود به مثابه رویدادهای تماماً اجتماعی است تعلق دارند.

۳-۱-۳- بازتاب ایدئولوژی در ترجمه

شاید بتوان ادعا کرد که طرح مسئله ایدئولوژی در ترجمه، ریشه در اندیشه‌های نظریه‌پرداز ترجمه، آندره لفویر^۱ داشته است. لفویر در مقاله (۱۹۸۱) استدلال می‌کند که نظام‌های ادبی در خلأ تدوین نمی‌یابند. لفویر در مقاله مذکور علاوه بر اینکه به موضوع چرخش‌های واژگانی در ترجمه توجه دارد، فشارهای ایدئولوژیک حاکم بر مترجم و راهبردهای او در تاثیرگذاری بر محیط روشنفکری را نیز بررسی می‌کند. لفویر ضمن فاصله گرفتن از واژگان نظام چندگانه، اصطلاحات جدیدی عرضه می‌کند تا نفوذ عامل فوق ادبی بر ادبی را بهتر تحلیل کند. او مفهوم «ایدئولوژی» را مجموعه‌ای از گفتمان‌ها می‌داند که بر سر منافعی با هم در منازعه‌اند و این منافع به نحوی با حفظ یا تضعیف ساختارهای قدرت، که نقشی اساسی در شکل کلی حیات اجتماعی و تاریخی دارند، مرتبط‌اند.

۳-۱-۴- توصیف، تفسیر، تبیین متن و بازتولید (ترجمه)

الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف (۲۰۰۱: ۹۳) از سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین تشکیل شده است. در این الگو توصیف پیش‌فرض تفسیر و تبیین است. نکته حائز اهمیت در فرایند برابریابی در ترجمه این است که این سه مرحله متناوباً نقش ایفا می‌کنند. در مرحله چهارم، یعنی بازتولید هر سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین به طور همزمان در فرایند برابریابی دخالت دارند. آنچه در مرحله توصیف مورد توجه قرار می‌گیرد ویژگی‌های صوری متون است که ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی دارند. اما تنها از طریق ویژگی‌های صوری متن نمی‌توان به ساختارهای اجتماعی دست یافت، بنابر این در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی از مرحله توصیف گذر می‌کنیم و به مرحله تفسیر و تبیین متن می‌رسیم.

۳-۲- چارچوب نظری و روش‌شناسی

چارچوب نظری مقاله حاضر برای تحلیل کیفی متن‌های ترجمه شده بر مبنای شیوه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۲۰۰۱) بنا شده است. در رویکرد فرکلاف (۲۰۰۱) گفتمان و زبان به مثابه کردار اجتماعی مد نظر قرار می‌گیرد. زیرا تنها با استناد بر ویژگی‌های صوری متون نمی‌توان مستقیماً به شالوده جامعه متن پیشین، اعتقادات، مناسبات اجتماعی و هویت‌های اجتماعی در فرایند ترجمه دست یافت؛ به زعم فرکلاف (همان: ۱۱۷) اساساً نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، غیرمستقیم است و این رابطه بیش از هر چیز توسط گفتمان که متن خود بخشی از آن است برقرار می‌شود، به بیانی دیگر ارزش ویژگی‌های متن تنها با واقع شدن در تعامل اجتماعی است که جنبه واقعی می‌یابد و از نظر اجتماعی نیز عملی می‌شود.

^۱ - Lefevre, A.

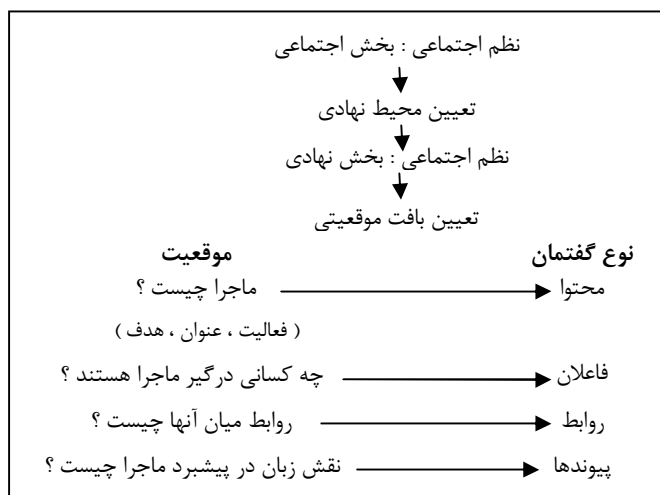
در این مقاله متن، جملات و واژگان داستان «عربی» اثر جیمز جویس منابع گردآوری داده‌ها را تشکیل می‌دهند. همچنین پس از توصیف و تفسیر بر پایه تجزیه و تحلیل متن که بر اساس روش کیفی صورت می‌گیرد، با ارائه آمار، بسامد و درصد مولفه‌های مورد نظر نیز از روش کمی در جهت مستندسازی و کمک به نتیجه‌گیری دقیق‌تر به ویژه در بخش مقایسه میان داده‌های دو متن ترجمه شده از داستان «عربی» استفاده خواهد شد.

۴- تحلیل داده‌ها

۴-۱- تفسیر و تبیین بافت موقعیتی و نوع گفتمان در داستان «عربی» از مجموعه

دوبلینی‌ها

بحث درباره این موضوع بر پایه انگاره ۱ صورت می‌گیرد. انگاره‌ای که در زیر آمده است به اجمال نشان می‌دهد مفسرین چگونه بافت موقعیتی را تفسیر می‌کنند و چگونه این تفسیر نوع گفتمان مربوطه را مشخص می‌کند.



انگاره ۱- بافت موقعیتی و نوع گفتمان

در سمت چپ چهار سؤال در ارتباط با چهار بُعد اصلی بافت موقعیتی مطرح شده است. سؤالات مذکور عبارت‌اند از «ماجرا چیست؟»، «چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟»، «روابط میان آنها چیست؟» و «نقش زبان در پیشبرد ماجرا چیست؟»

۴-۱-۱- ماجرا چیست؟

دنبال کردن رویدادهای بیرونی داستان عربی ساده است. پسر جوانی مسحور خواهر دوستش می‌شود، به تأمل درباره وجودش می‌پردازد و عاقبت با سرمستی نهانی وی را می‌ستاید. یک روز دخترک با او همکلام می‌شود-یکی از چند باری که کلامی با هم رد و بدل کرده‌اند- و از رفتن یا نرفتنش به بازار عربی جويا می‌شود. به او می‌گوید: «خودم نمی‌توانم بروم چون باید در مجلس ذکر و عبادت شرکت کنم.» پسرک می‌گوید: «اگر بروم هدیه‌ای برایت می‌آورم». عاقبت هنگامی که به بازار می‌رود از زرق و برق آن و شنیدن گفتگوی مبتذل سرخورده می‌شود و هدیه‌ای هم نمی‌خرد. به جای آن احساس می‌کند «زمامدار و لعبت بازش غرور است» و چشم‌هایش از «اضطراب و خشم» می‌سوزد.

۴-۱-۲- چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟

راوی عربی، پسرکی است که اکنون بزرگ شده است و مانند جویس - نویسنده داستان- در خیابان ریچموند شمالی زندگی می‌کرده است. در پایین خیابان، طبق اطلاعاتی که از پاراگراف نخست به دست می‌آید مدرسه برادران مسیحی واقع شده است. پسرک مانند جویس به این مدرسه رفته و باز مثل جویس آن را ملال‌آور و مایه خرفتی یافته است (جویس، ۱۳۷۲: ۵۵). به علاوه ناپدری و نامادری پسرک، یعنی عمو و زن عمو نسخه بدل والدین جویس‌اند.

۴-۱-۳- روابط میان آنها چیست؟

روابط میان اعضا شرکت‌کننده بنا به مناسبات قدرت، فاصله اجتماعی و دیگر مواردی که در موقعیت مورد نظر، تعیین و تثبیت شده‌اند، وابسته است. پسرک این داستان از همان آغاز در صدد آزاد ساختن خویش از دام‌ها و بندهای جامعه است. چنین آغازی متضمن بدرودهای جانکاه و جابه‌جا شدن‌های پربیننده است. در داستان «عربی» بت‌پرستی کورکورانه پسرک به تصویر کشیده شده است. در این داستان، مانگان دوست پسرک است و پسرک دل‌داده خواهر مانگان است. در داستان «عربی» مستأجر خانه پسرک، خانه-ای که بر اثر کهنگی و ویرانی بوی نم گرفته است، کشیشی بود که در اتاق پذیرایی پشتی مرده است. در نهایت نیز پسرک از دنیای جدا افتاده خیالش به دنیای عادی زندگی روزمره باز می‌گردد.

۴-۱-۴- نقش زبان در پیشبرد ماجرا چیست؟

از زبان به صورتی ابزاری و در جهت تحقق بخشی از هدف نهادی و اداری گسترده‌تر استفاده می‌شود. تحلیل گفتمان انتقادی میان ساختارهای گفتمان‌مدار و دیدگاه‌های اجتماعی حاکم بر تولید گفتمان چه در متن پیشین (مبدأ) و چه در متن پسین (مقصد) پلی برقرار می‌کند. در این مقاله نیز تعدادی از ساختارهای گفتمان‌مدار انتخاب و بررسی می‌شوند. مترجم‌های این متن به ترتیب عبارتند از ۱- پرویز داریوش (۱۳۴۶، ج ۱) ۲. محمد صفریان و صالح حسینی (۱۳۷۲، ج ۱).

۲-۴- گزینش واژگانی

گزینش و سپس کاربرد واژه‌های خاص، تعبیرات، نام برای افراد، اشیا و فعالیت‌ها منعکس کننده دیدگاه، منظور و نیت خاصی است که می‌تواند بار منفی یا مثبت داشته باشد (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). فرکلاف (۲۰۰۱: ۹۵) نیز معتقد است تفاوت‌های میان بار ایدئولوژیک متون در واژه‌های آنها رمزگذاری می‌شود.

متن اصلی: سطر ۱، صفحه ۱۷

North Richmond Street, being **blind** was a quiet street except at the hour when the Christian Brothers School set the boys free.

متن ترجمه ۱ (پرویز داریوش): سطر ۱-۳، صفحه ۳۵

کوچه ریچموند شمالی چون **بن‌بست** بود، جز در ساعاتی که بچه‌های مدرسه اخوان مسیحی، تعطیل می‌شدند، خیلی خلوت و ساکت بود.

متن ترجمه ۲ (محمد صفریان و صالح حسینی): سطر ۱-۲، صفحه ۳۳

خیابان ریچموند شمالی، به سبب **کوری**، جز در ساعتی که بچه‌های مدرسه برادران مسیحی تعطیل می‌شدند، خیابان خلوتی بود.

جویس در آغاز داستان به مخاطب می‌گوید که خیابان / کوچه ریچموند شمالی **کور** / **بن‌بست** است. متن ترجمه ۱، واقعیت را اینگونه جلوه می‌دهد که خیابان ریچموند شمالی **بن‌بست** است. اما در متن ترجمه ۲، مترجم برابر «کور» را به کار برده است و در همان عبارات آغازین داستان بر آن تاکید می‌ورزد. این تاکید دال بر این است که کوری از نظر مضمون و جان‌مایه متن نقش مهمی ایفا می‌کند. هر واژه در اثر، ایدئولوژی خاصی را بازنمایی می‌کند. واژه «**blind**» تبیین این نکته را به همراه دارد که پسرک نیز **کور** است و در زندگی به **بن‌بست** رسیده است. در اینجا گزینش واژگانی به واسطه بیان یک جان‌مایه یعنی کوری ناشی از خودفریبی هم در متن پیشین و هم در متن پسین باید جلوه نماید. به همین دلیل در برابریابی، واژه «کور» مناسب‌تر است تا «**بن‌بست**».

به زعم فرکلاف (۲۰۰۱: ۹۵) کاربرد برخی واژه‌ها به لحاظ ایدئولوژیک مورد مناقشه قرار دارند، یعنی در کانون مبارزات ایدئولوژیک‌اند و این مسئله گاهی در متن تعیین می‌یابد، مانند برابر «کور». اینکه به جای «**بن‌بست**» مترجم متن ۲ از برابر «کور» استفاده کرده است تنها دارای معنای واقعی و تحت‌اللفظی نیست. کاربرد «**blind**» حاکی از عینی‌سازی ایدئولوژی پنهان در این داستان است. بنابر این، مترجم با هر گونه تغییر در ترجمه و جان‌نشین کردن برابر اسمی خاص موجب ضعف در ارائه پیام و جان‌مایه داستان و در نهایت تبیین متن اصلی می‌شود.

متن اصلی: سطر ۴-۶، صفحه ۱۷

The other houses of the **street**, conscious of decent live within them, gazed at one another with brown imperturbable.

متن ترجمه ۱: سطر ۴-۶، صفحه ۳۵

خانه‌های دیگر **کوچه**، که به وجود زندگی‌های معقول و محترم در میان خود شاعر بودند، با چهره‌های آرام قهوه‌ای رنگ به یکدیگر خیره می‌نگریستند.

متن ترجمه ۲: سطر ۴-۶، صفحه ۳۳

خانه‌های دیگر **خیابان**، که به وجود مردمان شریف درون خود واقف بودند، با چهره‌های قهوه‌ای رنگ آرام، خیره به هم می‌نگریستند.

در متن ترجمه ۱، «کوچه» *street* «جانشین» در متن اصلی شده است. درحالیکه، در متن ترجمه ۲، «خیابان» به کار رفته است. در معنای واژه‌نامه‌ای، «*street*» به معنای «خیابان»، «اهل خیابان» و یا «اهالی محل» است. در ترجمه و تحلیل یک متن، ارزش‌دهی صحیح برابری انتخابی در متن پسین با کاربرد مناسب در راستای مشخصه‌های معنایی واژه در متن پیشین تجلی می‌یابد. در متن ترجمه ۲، در برابری واژه «*street*» از معنای موجود مسلط و طبیعی شده استفاده شده است. درحالیکه، در متن ترجمه ۱، گستره معنایی «*street*» به «کوچه» تخصیص یافته است. تعبیر دیگر از این نوع گزینش واژگانی یعنی به کاربرد «کوچه» به جای «خیابان» و هم‌آیی آن با «وجود زندگی‌های معقول و محترم»، حاکی از طنز بخشیدن به این گفته است، زیرا پسرک به زودی درمی‌یابد که آگاهی‌اش از زندگی محترم و معقول سرابی بیش نبوده است و نمای آرام این خیابان به زودی پربشان می‌شود. شاید به همین دلیل مترجم ۱، در تقابل آگاهانه خواسته است به لحاظ ایدئولوژیک از برابری معنادار «کوچه» به جای «خیابان» بهره ببرد.

متن اصلی: سطر ۱۳-۱۵، صفحه ۱۷

The **wild garden** behind the house contained a central apple-tree and a few **straggling** bushes, under one of which I found the late tenant's rusty bicycle-pump.

در این جملات نقل این است که پشت خانه پسرک «باغ خودرویی» بود و در وسط آن «درخت سیبی» قرار داشته است. در این تصاویر نویسنده تلویحاً از بهشت و درخت سیب ممنوع در وسط آن سخن به میان آورده است. درختی که مایه هیوط آدم ابوالبشر و عامل ارزش نیک و بد است. چنین واژه-هایی در داستان «عربی» مضامینی بنیادی است.

متن ترجمه ۱: سطر ۱۴-۱۵، صفحه ۳۵

باغچه شلوغ و درهم پشت منزل یک درخت سیب در وسط و چند بوته **گمراه‌کننده هرزه** داشت.

متن ترجمه ۲: سطر ۱۳-۱۴، صفحه ۳۳

باغچه خودروی پشت خانه، درخت سیبی در وسط داشت و چند بوته **هرزه**.

در متن ترجمه ۱، «*wild garden*»، «باغچه شلوغ و درهم» ترجمه شده است و در متن ترجمه ۲، «باغچه خودرو» است. گروه وصفی «شلوغ و درهم» به جای برابر «خودرو» برای واژه «*wild*» به نوعی ایدئولوژی پنهان، نیت نویسنده در قالب واژه‌ها را عینی نموده است. در این داستان، نویسنده واژه‌هایی را برگزیده است که مضامین داستان «عربی» و کل مجموعه داستان «دوبلینی‌ها» به طور

غیرمستقیم در آن جلوه‌گر شده است و به واسطه آنها پریشانی شخصیت اصلی در آن پدیدار است. به عبارت دیگر، در متن ترجمه ۱ با شفاف‌سازی و عینی‌شدگی، رابطه ایدئولوژی پنهان نویسنده و برابره‌ای متن پیوندزدایی شده است.

در متن ترجمه ۱، مترجم برای واژه «straggling» برابر «گمراه‌کننده هرزه» را به کار برده است. درحالی‌که، در متن ترجمه ۲، تنها معنای تحت‌اللفظی «هرزه» به کار رفته است.

عدم گزینش واژگانی مناسب در زبان مقصد باعث می‌شود تا کنش‌های نهادینه شده متن پیشین در متن پسین بازنمایی نشود.

۳-۴- ارزش تجربی در گزینش واژگانی، مشخص‌سازی و نام‌مشخص‌سازی: ارجاع اسم، ضمیر و شناسه به جای ضمیر در متن پسین

متن اصلی: سطر ۱۸-۱۹، صفحه ۱۸

Her name sprang to my lips at the moments in strange prayers and praises which I myself did not understand.

متن ترجمه ۱: سطر ۱۹-۲۱، صفحه ۳۷

نام خواهر مانگان در وسط دعا‌های عجیب و مدایحی که من خود از آنها سر در نمی‌آوردم از دهانم بیرون می‌جست.

متن ترجمه ۲: سطر ۱۲-۱۳، صفحه ۳۵

نام او گاه با دعاها و مدایح عجیبی که از آنها سر در نمی‌آوردم، برلبانم می‌نشست.

در متن پیشین ضمیر ملکی «her» برای ارجاع به «خواهر مانگان» به کار رفته است. درحالی‌که، در متن ترجمه ۱، به جای ضمیر «او» از گروه اسمی که حاوی اسم خاص است و از صراحت بیشتری برخوردار است به عنوان برابر ترجمه انتخاب شده است. در متن ترجمه ۲، ضمیر سوم شخص به کار رفته است. اما شایسته بود تکواژ دستوری مقید سوم شخص مفرد «-ش» برای بیان ارزش‌گذاری برابر با ساخت متن پیشین به کار می‌رفت. در متن ترجمه ۱، میزان صراحت عبارت ملکی نسبت به متن ترجمه ۲، بیش از میزان صراحت در متن انگلیسی آن است. کاربرد عناوینی که صراحت بیشتری در متن ایجاد می‌کنند به فرایند مشخص‌سازی و نحوه بیان صریح و روشن کمک می‌کنند. در همین جمله «myself» در متن ترجمه ۲ مورد تاکید قرار نگرفته است و جایگاه «myself» در این ترجمه حذف گردیده است. در انگاره ون لیوون^۱ (۱۹۹۶) عنصر حذف تحت فرایند «طرد» به کار رفته است و آن زمانی است که از طریق آن کنشگر اجتماعی در گفتمان حذف می‌شود و دارای دو زیر شاخه «پنهان-سازی» و «کمرنگ‌سازی» است. در این نمونه - متن ترجمه ۲- کنشگر ظاهراً حذف شده است اما در جای دیگری از متن قابل بازیافت است و می‌توان از طریق استنتاج و یا ارجاع به وجود آن پی برد. به عبارت دیگر، در متن ترجمه ۲، کنشگر از حالت تاکید خارج شده و در پس‌زمینه قرار گرفته است.

^۱ - Van Leeuwen, T.A.

در ادامه نمونه‌هایی از ۱۴۹ جمله حاوی ضمیر از داستان «عربی» و نحوه نمایش ضمائر در هر دو متن ترجمه ارائه می‌شود.

متن اصلی: سطر ۱۵، صفحه ۱۷

He had been a very charitable priest.

متن ترجمه ۱: سطر ۱۷، صفحه ۳۵

این کشیش مرد بسیار خیری بود.

متن ترجمه ۲: سطر ۱۵، صفحه ۳۳

این کشیش در بذل مال دستی گشاده داشت

متن اصلی: سطر ۳۵، صفحه ۱۷

She was waiting for us.

متن ترجمه ۱: سطر ۲۰-۱۹، صفحه ۳۶

خواهر مانگان منتظر ما می‌ایستاد.

متن ترجمه ۲: سطر ۱۴، صفحه ۳۴

خواهر مانگان منتظرمان می‌ایستاد.

متن اصلی: سطر ۳، صفحه ۱۸

When **she** came out on the doorstep...

متن ترجمه ۱: سطر ۱، صفحه ۳۷

وقتی او در درگاه پدید می‌آمد

متن ترجمه ۲: سطر ۲۲، صفحه ۳۴

از در که بیرون می‌آمد. (شناسه سوم شخص مفرد)

متن اصلی: سطر ۳۵، صفحه ۱۸

At least **she** spoke to me.

متن ترجمه ۱: سطر ۱۰، صفحه ۳۸

عاقبت خواهر مانگان با من به حرف آمد.

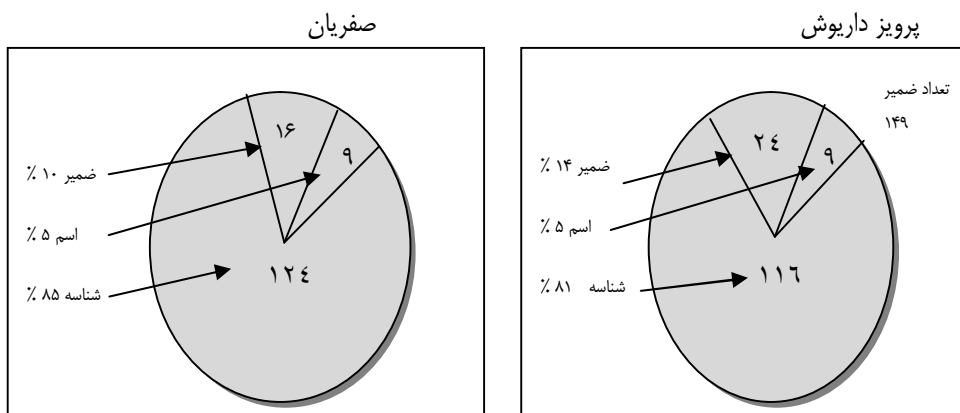
متن ترجمه ۲: سطر ۲۸، صفحه ۳۵

عاقبت با من حرف زد. (شناسه سوم شخص مفرد)

حال در قسمت بعدی مقاله حاضر تحلیل آماری ضمائر داستان «عربی» را ارائه می‌دهیم.

۴-۳-۱- تحلیل آماری ضمائر در داستان «عربی»

با بررسی آمار به دست آمده از میزان فراوانی ضمائر در متن پیشین و متن پسین نتایج ذیل حاصل شده است:



نمودار ۱- فراوانی ضمیر در متن پیشین و متن پسین شماره (۱) و (۲) در «عربی»

۴-۳-۱- تحلیل آماری ضمایر در متن ترجمه ۱

از تعداد ۱۴۹ جمله حاوی ضمیر در متن پیشین، تنها ۲۴ ضمیر در متن پسین که برابر ۱۴ درصد از کل تعداد ضمایر در متن پیشین است به ضمیر (تکواژ مستقل آزاد) ترجمه شده است. ۹ عدد از ضمایر به اسم برگردانده شده است یعنی برابر ۵ درصد از کل ۱۴۹ ضمیر متن پیشین. همچنین ۱۱۶ عدد از کل ضمایر در متن ترجمه به صورت شناسه فعلی (تکواژ مقید) ظاهر شده است.

۴-۳-۲- تحلیل آماری ضمایر در متن ترجمه ۲

در متن ترجمه ۲، از تعداد ۱۴۹ ضمیر به کار رفته، تنها ۱۶ ضمیر (تکواژ مستقل آزاد) در متن پسین که برابر با ۱۰ درصد از کل ضمایر است ترجمه شده است و تعداد ۹ اسم برابر ۵ درصد به جای ضمیر به کار رفته است. همچنین ۱۲۴ عدد از کل ضمایر در متن ترجمه به صورت شناسه فعلی (تکواژ مقید) بازنمایی یافته است.

۴-۴- فرایند اسم‌سازی، طرد (کمرنگ‌سازی) و عینی‌سازی برابرها

بسیاری از اوقات در بیان انجام عمل توسط فعل از مصدر، حاصل مصدر و یا اسم مصدر استفاده می‌نماییم. یارمحمدی (۱۳۸۳: ۱۴۵) معتقد است با کاربرد اسم مصدر و فرایند اسم‌سازی از جمله یا فعل، توجه از کنشگران و مشارکین عمل به خود عمل (و در بعضی موارد به پذیرنده عمل) معطوف می‌گردد و ممکن است بدین ترتیب عامل عمل نیز ناشناخته بماند. وی معتقد است با کاربرد این فرایند، گویندگان می‌توانند زمان و شیوه انجام عمل را که از لوازم جمله یا فعل است، مکتوم دارند.

متن اصلی: سطر ۱۰- ۱۱، صفحه ۱۸

On Saturday evening when my aunt went marketing I had to go **to carry** some of the parcels.

متن ترجمه ۱: سطر ۹-۱۱، صفحه ۳۷

بعداظهر روزهای شنبه وقتی زن عموی من برای خرید به بازار می‌رفت من می‌بایست همراه او می‌رفتم و بعضی بسته‌ها را می‌آوردم.

متن ترجمه ۲: سطر ۴-۳، صفحه ۳۵

بعداظهرهای شنبه، وقتی زن عمویم برای خرید می‌رفت، می‌بایست همراه او می‌رفتم تا بسته‌هایی را بیاورم.

در هر دو ترجمه «to carry» به ترتیب «می‌آوردم» و «بیاورم» ترجمه شده است. درحالیکه، در متن اصلی به صورت مصدری به کار رفته است.

متن اصلی: سطر ۱-۲، صفحه ۱۸

Every morning I lay on the floor in the front part parlour **watching** her door.

متن ترجمه ۱: سطر ۲۶-۲۷، صفحه ۳۶

هر روز صبح من در کف اتاق نشیمن که در جلوی خانه بود روی زمین دراز می‌کشیدم و درِ اتاق او را می‌پاییدم.

متن ترجمه ۲: سطر ۲۱-۲۰، صفحه ۳۴

هر بامداد کف اتاق پذیرایی جلو خانه دراز می‌کشیدم و درِ خانه‌شان را می‌پاییدم.

در این دو نمونه اخیر مصدر «to carry» و اسم مصدر «watching» بدون کنشگر ملموس و بدون زمان معین است اما در برابریابی به صورت یک جمله زماندار و دارای شناسه فاعلی برگردان شده است. در متن اصلی هویت کنشگر اجتماعی مشخص و روشن بیان شده است زیرا در جمله پایه کنشگر اجتماعی با کنشگرهای جمله‌واره‌های پس از خود هم مرجع است، دیگر تکرار نمی‌شود. از طرفی تاکید و مشخص‌سازی بر روی هویت کنشگر اجتماعی تا حدودی نیز کم‌رنگ جلوه می‌کند. درحالیکه، در هر دو ترجمه هویت کنشگر در تمام جمله‌ها با قید شناسه بر روی فعل به نوعی مشخص‌تر از متن اصلی جلوه می‌کند و این تغییرات بر انتقال جان‌مایه اصلی داستان، شخصیت‌ها و قدرت آنها به خواننده و متن پسین تاکید می‌گذارد.

حال به دو نمونه زیر نیز توجه کنید:

متن اصلی: سطر ۳۳، صفحه ۱۹

I went from room to room **singing**.

متن ترجمه ۱: سطر ۲۷، صفحه ۳۹

من در اتاق‌ها می‌گشتم و آواز می‌خواندم.

متن ترجمه ۲: سطر ۱۰، صفحه ۳۷

من اتاق به اتاق گشتم و آواز می‌خواندم.

متن اصلی: سطر ۴-۵، صفحه ۲۱

Remembering with difficulty why I had com, I went over to one of the stalls and examined porcelain vases and flowered tea-sets.

متن ترجمه ۱: سطر ۴-۶، صفحه ۴۲

باز با اشکال به یاد آوردم که به چه منظور آمده بودم، و به کنار یک باجه رفتم و شروع به امتحان گلدان‌های چینی و سرویس چای گلدار کردم.

متن ترجمه ۲: سطر ۱۶-۱۴، صفحه ۳۹

با دشواری به یاد آوردم که به چه منظوری آمده بودم، و به کنار یکی از غرفه‌ها رفتم و به واری گلدان‌های چینی و سرویس چای گلداری پرداختم.

همانطور که ملاحظه شد، در متن اصلی «singing» و «Remembering» به صورت اسم مصدر آمده است. حال هر دو مترجم آنها را به صورت یک جمله زماندار که دارای شناسه فاعلی است برگردان کرده‌اند.

۴-۵- ارزش تجربی و جملات معلوم و مجهول

وقتی متنی را از آغاز تا پایان می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که نویسنده در همان آغاز، آگاهانه و هنرمندانه کلیدی برای درک پیام داستان فراهم آورده است. بنابر این، بر مترجم فرض است که این کلیدها را بیابد و به درستی آنها را به کار بگیرد. یکی از این راهکارها، رعایت ساختار متن پیشین است. در نمونه‌های زیر به نحوه عملکرد مترجمان در برخورد با جمله مجهول می‌پردازیم.

متن اصلی: سطر ۸-۱۰، صفحه ۱۷

Air, musty from **having been long enclosed**, hung in all the rooms, and the waste room behind the kitchen **was littered** with old useless papers.

متن ترجمه ۱: سطر ۸-۱۰، صفحه ۳۵

هوا که مدتی مدید محبوس و بی‌حرکت مانده بود، اکنون مرطوب‌ناک، در اتاق‌ها معلق بود، و مزبله‌دان پشت آشپزخانه از کاغذهای بیهوده انباشته بود.

متن ترجمه ۲: سطر ۸-۱۰، صفحه ۳۳

هوای نمور و ناگرفته، به سبب مدت‌ها بسته بودن، اکنون در همه اتاق‌ها شناور بود، و انباری پشت آشپزخانه انباشته از کاغذ کهنه و بی‌مصرف بود.

دو فعل «**having been long enclosed**» و «**was littered**» حامل پیام انفعال‌اند و باید مجهول ترجمه شود و ترجمه آن به وجه معلوم با استناد بر تفسیر بافت موقعیتی داستان و شهر دوبلین جائز نیست.

متن اصلی: سطر ۲۹، صفحه ۱۷

If my uncle **was seen** turning the corner...

متن ترجمه ۱: سطر ۱۳، صفحه ۳۶

اگر عمومیم را می‌دیدم...

متن ترجمه ۲: سطر ۸-۱۰، صفحه ۳۳

اگر عمومیم را می‌دیدم...

در هر دو ترجمه، فعل مجهول متن اصلی به صورت معلوم ظاهر گردیده است و بازنمایی کنشگرها بر مبنای هویت و نقش مشابه آن ساختار در متن پیشین صورت نگرفته است. در این مثال هویت‌دهی ظاهری کنشگرهای اجتماعی متن‌های ترجمه متناظر با ویژگی‌های صوری بافت متن پیشین بازنمایی نشده است. آغازگر جمله متن پیشین به عنوان جزئی از پایان‌بخش، در متن‌های ترجمه قرار گرفته است و کانون توجه و یا آغازگر، هویت فردی است که در متن اصلی در ساخت جمله تجلی نیافته است. از آنجایی که راوی داستان همان پسری است که رویدادی مربوط به زندگی‌اش را نقل می‌کند، به همین دلیل هر دو مترجم، نقش پسرک (به عنوان یک کنشگر اجتماعی حاضر در ماجرا) را عینی‌تر ساختند. این نوع بازنمایی، اقتدار راوی داستان را در گفتمان متن پسین تغییر می‌دهد.

متن اصلی: سطر ۲-۳، صفحه ۱۸

The blind was pulled down as within an inch of the sash so that I could not be seen.

متن ترجمه ۱: سطر ۲۷-۲۸، صفحه ۳۶

پرده اتاق را آنقدر پایین می‌کشیدند که بیش از یک بند انگشت با چارچوب فاصله نداشت و من دیده نمی‌شدم.

متن ترجمه ۲: سطر ۲۲-۲۱، صفحه ۳۴

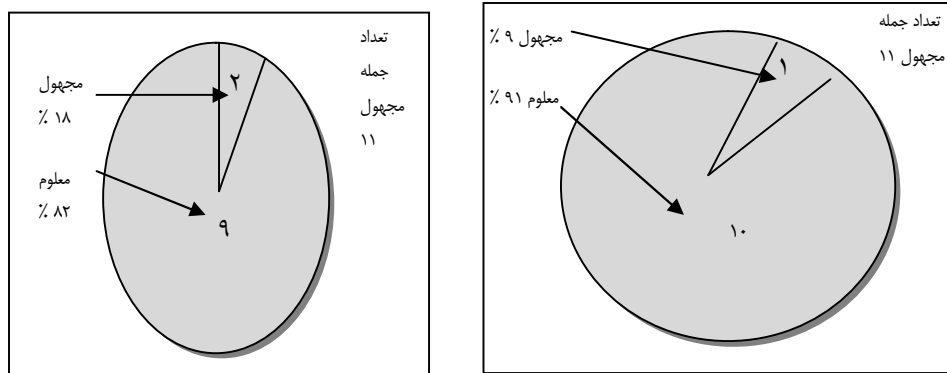
پرده کرکره تا یک اینچی چارچوب پنجره پایین کشیده شده بود و من دیده نمی‌شدم.

در این نمونه، در متن پیشین ساخت مجهول گذشته ساده به کار رفته است. درحالیکه، در متن ترجمه ۱ از ساخت زمان ماضی استمراری و معلوم استفاده شده است و جمله دارای کنشگر (فاعل) و «پرده اتاق» نیز کنش‌پذیر (مفعول) محسوب می‌شود. مشخص‌سازی و نامشخص‌سازی در هویت کنشگر اجتماعی به نحوی مشخص از متن پیشین شناخته شده است. درحالیکه، در این بافت با آوردن ساخت مجهول کنشگر گمنام است و باید در متن پسین نیز گمنام بازنمایی شود، همچنان که در متن ترجمه ۲ دیده می‌شود.

۴-۵-۱- تحلیل آماری وجه مجهول در داستان عربی

صفریان

پرویز داریوش



نمودار ۲- فراوانی مجهول در متن پیشین و متن پسین شماره (۱) و (۲) در «عربی»

۴-۵-۱-۱- تحلیل آماری وجه مجهول در متن ترجمه ۱

تعداد ساخت‌های مجهول در داستان عربی ۱۱ عدد است. اما در متن ترجمه از ۱۱ ساخت مجهول متن پیشین تنها یک نمونه از ساخت مجهول برابر ۹ درصد در متن ترجمه به صورت ساخت مجهول بازنمایی شده است. درحالی‌که، تعداد ۱۰ جمله برابر ۹۱ درصد از وجه مجهول متن پیشین به صورت ساخت معلوم برگردانده شده است.

۴-۵-۱-۲- تحلیل آماری وجه مجهول در متن ترجمه ۲

در این متن ترجمه مترجم از تعداد کل ساخت‌های مجهول تنها دو مورد آن را به صورت مجهول، ترجمه کرده است که چیزی برابر با ۱۸ درصد است. درحالی‌که، تعداد ۹ جمله برابر ۸۲ درصد از وجه مجهول متن پیشین به صورت ساخت معلوم برگردانده شده است.

مترجم	ضمیمه (۱۴۹)		مجهول (۱۱)		اسم مصدر (۳)
	ضمیمه	اسم	شناسه	معلوم	مجهول
پرویز داریوش	۲۴	۹	۱۱۶	۱۰	۱
صفریان	۱۶	۹	۱۲۴	۹	۲

۵- نتیجه‌گیری

رویکرد مورد استناد در مقاله حاضر الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۲۰۰۱) بود که بر اساس این رویکرد بررسی مقابله‌ای میان گزینش برابرها در متون ترجمه شده از داستان «عربی» اثر جیمز جویس از دو مترجم تحلیل شد. نگارندگان با تکیه بر چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف با روش توصیفی، تفسیری و تبیینی فرایند برابریابی در دو ترجمه از داستان «عربی» را بررسی کردند تا از این رهگذر الگوی نظام‌مندی در فرایند ترجمه معرفی گردد و بدین وسیله اهمیت و تاثیر ساختارهای گفتمان‌مدار، بافت موقعیتی و اجتماعی در فرایند برابریابی در ترجمه مورد تاکید قرار گیرد. گزینش واژگانی، ضمائر، رابطه عاملیت نحوی یعنی انتخاب صیغه معلوم/ مجهول، فرایند اسم‌سازی و طرد کنشگرها نمونه‌هایی از ساختارهای گفتمان‌مداری بودند که در مقاله حاضر بررسی قرار شدند. در خاتمه نکته مهم پژوهش حاضر تاکید بر این نکته است که هدف غایی تحلیل گفتمان انتقادی آشکارسازی ایدئولوژی، نیت و گزاره‌های تلویحی پنهان در لایه‌های زبانی است. بنابر این، با استناد بر این رویکرد توصیفی، تفسیری و تبیینی طبیعی‌شدگی ایدئولوژی را به نقد می‌کشانیم و آگاهی عمومی را نسبت به ایدئولوژی و پتانسیل‌های گفتمانی ناظر بر تولید و در فرایند ترجمه یعنی باز تولید آن نظام‌مند می‌سازیم.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس، معصومه ارجمندی؛ ارسالن گلفام و عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۹). «کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در نقد و ارزیابی برابرها در متون ترجمه شده «خواهران» اثر جیمز جویس». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. دوره ۱، شماره ۳، صص ۱-۲۴.
- جویس، جیمز (۱۳۴۶). *دوبلینی‌ها*. ترجمه پرویز داریوش. تهران: اساطیر
- جویس، جیمز (۱۳۷۲). *دوبلینی‌ها و نقد دوبلینی‌ها*. ترجمه محمد صفریان و صالح حسینی. تهران: نیلوفر
- دوسوسور، فردینان (۱۳۸۹). *دوره زبان‌شناسی عمومی*. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس
- فرحزاد، فرزانه (۱۳۸۳) «سیر تحول مطالعات ترجمه در پنجاه سال اخیر» در مجموعه مقالات دوهم‌اندیشی ترجمه‌شناسی. تهران: یلدا قلم، صص ۹-۲۴
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman
- Fairclough, N. (2001). *Language and Power*. London: Longman
- Joyce, J. (2001). *Dubliners*. Tabriz: Azaran
- Lefevere, A. (1981). "Translated Literature: Towards an Integrated Theory". *Bulletin of the Modern Language Association*. 14.1. p. 86-96.

Munday, J. (2001). *Introducing Translation Studies*. London: Routledge

Van Leeuwen, T.A. (1996). *The Representation of Social Actors*. In Caldas- Coulthard, C. R. & Coulthard, M. (Eds.), *Text and practices: Readings in C.D.A.* London: Routledge.

سرسال
